با مردم
شماره تلفن ارتباطی با خوانندگان
۰۲۱۲۳۰۲۳۳۳۷

سامانه بازرگام دولت، اقلام اساسی ندارد

سامانه بازرگام که دولت برای توزیع اقلام خوراکی تنظیم بازار رونمایی کرده، چند وقتی است در برخی استان‌ها از توزیع اقلام مهمی مثل برنج، گوشت و روغن خودداری می‌کند. از جمله در استان البرز و کرمانشاه و تهران. البته باقی کالاها را نیز اغلب عدم‌موجودی می‌زند. کارکرد این سامانه چیست و چرا موجودی ندارد؟

حسن‌زاده از کرمانشاه

زمان صدور پروانه شهرسازی کاهش یابد

مدت‌ها قبل وعده کرده بودند که مدت زمان صدور پروانه شهرسازی کاهش یابد و حتی اخیرا قول دادند این موضوع در دستور کار باشد که مردم زمان کمتری برای پروانه شهرسازی معطل شوند. مهرماه سال گذشته اعلام کردند که به سرعت این کار انجام می‌شود و مردم کمتر معطل خواهند شد ولی اکنون در تیرماه همچنان خبری نیست و من منتظرم خبری از کاهش زمان صدور پروانه شهرسازی بشنوم. تقاضا این است که شورای اسلامی شهر در این خصوص مصوبه داشته باشد که قابلیت اجرایی آن پیگیری شود.

سامانی از تهران

آب پاکدشت از ۲ هفته قبل مدام قطع است

۲ هفته است که آب آشامیدنی پاکدشت در نزدیکی تهران قطع است و آبی که تانکرها می‌آورند هم سالم نیست و باعث بروز مشکل به‌ویژه در کودکان شده است. از طرفی امثال من کارگر هم، توان خرید آب معدنی نداریم و برخی از روزها اگر زودتر از سرکار به خانه بیایم از منزل مادر همسرم در یاخچی آباد چند گالن آب می‌آورم. چه زمانی این وضع تمام می‌شود و آب دوباره وصل می‌شود؟

هژبری از پاکدشت

پیامک
ارسال پیام کوتاه خوانندگان
۰۲۱۲۳۰۲۳۹۱۶

مسدود کردن پل هوایی شهر قدس بدون اطلاع قبلی دردسرساز شده است

مدتی است شهرداری شهر قدس، ورودی‌های دو طرف پل هوایی را با استفاده از نرده های فلزی مسدود کرده است و به شهروندان اجازه استفاده از آن را نمی‌دهد. در ظاهر پل عیب و نقصی ندارد و این شبهه پیش می‌آید که شاید به‌خاطر صرفه‌جویی در مصرف برق پله‌های برقی این پل و یا جلوگیری از ورود و توقف افراد معتاد و یا کارتن خواب چنین اقدامی صورت گرفته است. درهرحال شهرداری باید در مورد این اقدام اطلاع‌رسانی کند و به مردم توضیح دهد. چرا که عدم‌امکان استفاده از این پل واقعا دردسرساز شده است.

جابری از شهر قدس

افزایش ۴۰ تا ۶۰ درصد شهریه مدارس در توان خانواده‌ها نیست

مدارس غیرانتفاعی شهریه‌ها را بین ۴۰ تا ۶۰ درصد گران کرده‌اند که البته این فقط مربوط به رقم ثابت شهریه است و هزینه خدماتی نظیر کلاس‌های فوق برنامه و... جدا باید پرداخته شود. این در حالی است که در دو سال کلاس‌های غیرحضوری هم شهریه را کاهش ندادند و اکنون به محض اعتراض والدین می‌گویند مصوبه آموزش و پرورش است. بعد از بررسی‌های بسیار متوجه شدیم که مصوبه آموزش و پرورش هم هر چند متناسب با توان مالی اغلب مردم نیست ولی ۳۸ درصد اعلام شده نه ۴۰ تا ۶۰ درصد. صدای ما هم به جایی نمی‌رسد و از طرفی امکان انتقال دانش‌آموز به مدرسه دولتی را هم نداریم چون ظرفیت این مدارس از قبل تکمیل شده است.

مرحمتی از یزد

آزمایشات دوران بارداری رایگان شود

برای فرزندآوری و افزایش جمعیت مدام تبلیغ می‌شود اما تسهیلاتی برای زوجینی که می‌خواهند بچه‌دار شوند درنظر گرفته نشده است. به‌عنوان مثال نرخ برخی از آزمایش‌ها بسیار بالاست و در توان همه افراد نیست. بهتر است مسئولان بخشی از آزمایشات را رایگان کنند تا فرزندآوری برای همه مقدور و میسر باشد.

سلیمانی از تهران

پیام @
تلگرام با مردم @bamardom_hamshahri

میادین تره بار به‌صورت هایپرمارکتی هم کار کنند

میادین تره بار و میوه شهرداری واقعا برای شهروندان نعمت هستند و اگر آنها نباشند امثال من به‌عنوان بازنشسته اصلا قادر به خرید میوه و صیفی جات نخواهیم بود. اما پیشنهاد می‌شود در راستای خدمت بیشتر به شهروندان میادین به‌صورت هایپرمارکتی هم فعال باشند و محصولات آنها با قیمت مصوب در فروشگاه‌های زنجیره‌ای شهر تهران به فروش برسد که چنین موردی به‌خصوص در زمانی که بازار دچار نابسامانی می‌شود بسیار مؤثر خواهد بود.

موسوی از تهران

پاسخ مسئولان

عملیات تکمیلی لکه‌گیری و آسفالت ورودی خرم آباد در دست اقدام است

روابط عمومی سازمان راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای کشور در وزارت راه و شهرسازی پیرو چاپ پیام مردمی با عنوان «آسفالت ورودی جاده خرم آباد نیازمند مرمت است» در ستون با مردم پاسخ داده است: «ضمن سپاس از انعکاس دیدگاه‌ها و نقطه نظرات هموطنان و ظرفیت ایجاد شده برای پاسخگویی به مردم به استحضار می‌رساند در محور مذکور علاوه بر عملیات نگهداری جاری شامل ایمن‌سازی با نصب علائم و تجهیزات ایمنی، لکه‌گیری راه، چاله پرکنی و... که به‌صورت مستمر و روزانه توسط اداره کل راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای استان لرستان انجام می‌شود، دیگر اقدامات لازم براساس اولویت‌های اجرایی و خروجی سامانه مدیریت روسازی راه‌ها (P.M.S) و نیز متناسب با اعتبارات ابلاغی در دستور کار قرار می‌گیرد. بر همین اساس در سال گذشته طی فرایند برگزاری مناقصه و انتخاب پیمانکار ذیصلاح نسبت به اجرای عملیات لکه‌گیری و روکش آسفالت محور مذکور به طول حدود ۱۱ کیلومتر اقدام شده است و عملیات تکمیلی لکه‌گیری و روکش آسفالت قسمت‌های دیگری از محور نیز در دستور کار سال‌جاری اداره کل استان قرار داشته که درصورت گشایش منابع اعتباری مساعدت بیشتری نیز به عمل خواهد آمد.

اجساد ۳عضو یک خانواده از دریا بیرون کشیده شد

مرگ دردناک عروس و داماد در دریا

عروس و داماد، ۲ قربانی حادثه

داخلی

اعضای خانواده‌ای که برای تفریح راهی ساحل بندر کیاشهر در استان گیلان شده بودند در دریا گرفتار شدند و ۳نفر از آنها بر اثر غرق شدن در دریا جانشان را از دست دادند. قربانیان عروس و دامادی جوان و خواهر نوجوان عروس بودند که اجسادشان توسط مردم محلی و نیروهای هلال‌احمر از آب بیرون کشیده شد.

به گزارش همشهری، این حادثه دردناک عصر جمعه در ساحل سلیم چاف در بندر کیاشهر رخ داد. آن روز اعضای خانواده‌ای از اهالی روستای تهام در حوالی آستانه اشرفیه برای تفریح به کنار ساحل رفته بودند که ۴نفر از آنها تصمیم گرفتند وارد دریا شوند. داماد جوان خانواده به همراه همسرش و ۲خواهر او وارد دریا شدند اما کمی که جلوتر رفتند ناگهان زیر پایشان خالی شد و در دریا غوطه‌ور شدند. این اتفاق در چشم بر هم زدنی رخ داد و شاهدان با دیدن این صحنه فریاد زنان درخواست کمک کردند. مردم محلی که در ساحل حضور داشتند ماجرا را به هلال‌احمر گزارش کردند و همزمان برای کمک به غرق‌شدگان وارد دریا شدند. آنها در همان دقایق اولیه پیکر ۳نفر را از آب بیرون کشیدند و به ساحل منتقل کردند اما نیمه‌کاره بودن پل فلزی سلیم چاف و وجود یک پل چوبی که تنها راه عبور آمبولانس اورژانس به محل حادثه بود باعث شد که نیروهای اورژانس با تأخیر به آنجا برسند. با این حال و با حضور نیروهای اورژانس، معلوم شد که تازه داماد و عروس جوان جانشان را از دست داده‌اند اما سومین نفر که خواهر بزرگ عروس بود، پس از تلاش فراوان امدادگران اورژانس احیا شد و به سرعت به بیمارستان انتقال یافت.

با این حال هنوز از سرنوشت چهارمین عضو خانواده که خواهر ۱۳ساله عروس بود خبری نبود و در این شرایط امدادگران هلال‌احمر وارد عمل شدند و عملیات جست‌وجو در دریا آغاز شد. این عملیات تا نیمه شب شنبه ادامه داشت تا اینکه با تلاش امدادگران، جسد بی‌جان دختر نوجوان نیز پیدا و از دریا بیرون کشیده شد. در جریان این حادثه ۳عضو خانواده شامل داماد ۲۴ساله، عروس ۲۰ساله و خواهر ۱۳ساله عروس جانشان را از دست دادند و چهارمین نفر که خواهر بزرگ عروس است در بیمارستان بستری است و تلاش برای نجات جان او ادامه دارد.

مردی که در سانحه رانندگی دچار مرگ مغزی شده بود، نجات‌بخش بیماری نیازمند شد

مرگی که زندگی بخشید

گزارش

«به ما گفتند که پدرم دچار مرگ مغزی شده و ارگان‌های بدنش یکی پس از دیگری از کار می‌افتد. ما هم برای آرامش روح پدرمان و کمک به بیماران نیازمند اعضای بدن او را اهدا کردیم.» این بخشی از حرف‌های دختر مردی است که در جریان یک سانحه رانندگی دچار مصدومیت شدید و در نهایت مرگ مغزی شد تا اعضای بدن او با رضایت خانواده‌اش به بیماران نیازمند اهدا شود.

به گزارش همشهری، این مرد ۶۲ساله که محمدعلی مولائی‌نژاد نام داشت، شامگاه سوم اردیبهشت‌ماه امسال در حالی که سوار بر خودروی خود از بزرگراه آزادگان عبور می‌کرد، بنزین تمام کرد. او خودرو را در کنار بزرگراه متوقف کرد و چون کاری از دستش ساخته نبود با یکی از اقوامش تماس گرفت و از او کمک خواست تا برایش بنزین بیاورد. چند دقیقه از این تماس گذشته بود که بنزین رسید و مرد میانسال سراغ او رفت تا ظرف بنزین را تحویل بگیرد؛ اما درست در همان لحظه بود که یک خودروی پراید وانت که سرعت زیادی داشت از راه رسید و با شدت زیادی با این مرد برخورد کرد. هرچند راننده پراید توقف کوتاهی کرد اما وقتی متوجه شد عابری که با او تصادف کرده وضعیت خوبی ندارد، پایش را روی پدال گاز گذاشت و از آنجا فرار کرد. سرنشینان چند خودروی عبوری که شاهد این صحنه بودند تلاش کردند به مرد مجروح کمک کنند و همزمان ماجرا را به اورژانس و پلیس گزارش کردند. چند نفر هم در تاریکی شب تلاش کردند شماره پلاک خودروی راننده فراری را یادداشت کنند. در این شرایط بود که این مرد به بیمارستان منتقل شد. او دچار مصدومیت شدیدی شده بود و از همان زمان تلاش برای نجاتش آغاز شد. با وجود اینکه سطح هوشیاری او پایین بود، اما به‌تدریج وضعیتش رو به بهبود رفت و در شرایطی که ۲ماه از حادثه می‌گذشت، کادر پزشکی از وضعیت او اعلام رضایت کردند و حتی دستگاه‌های مخصوصی که تا آن روز به او وصل بود نیز جدا شد. وضعیت این مرد پس از ۲ماه در حال بهتر شدن بود که یک روز ناگهان دچار ایست قلبی شد. بار دیگر او به بخش مراقبت‌های ویژه منتقل شد و پزشکان تلاش کردند او را احیا کنند اما این‌بار وضعیت خطرناک‌تر از قبل بود و بیمار به کما رفت. در شرایطی که تا پیش از این وضعیت هر لحظه امیدوارانه‌تر می‌شد اما حالا همه امیدها کمرنگ شده و وضعیت او هر لحظه رو به وخامت می‌رفت تا اینکه این مرد در کمال ناباوری دچار مرگ مغزی شد.

تصمیم بزرگ

این بیمار در حالی دچار مرگ مغزی شد که خانواده‌اش ساعتی قبل به ملاقاتش رفته بودند و آن شب وقتی آنها تازه به خانه رسیدند از بیمارستان با آنها تماس گرفته شد تا فورا به بیمارستان برگردند. سارا مولائی‌نژاد، دختر این مرد به همشهری می‌گوید: در این ۲ماهی که پدرم در بیمارستان بستری بود ما به ملاقاتش می‌رفتیم و حالش رو به بهبود بود اما نمی‌دانم چطور شد که یکباره دچار ایست قلبی شد. آن روز ما وقتی از بیمارستان به خانه برگشتیم با ما تماس گرفتند و گفتند همگی به بیمارستان برگردیم. من، خواهر، برادر و مادرم سراسیمه به بیمارستان رفتیم و در آنجا به ما گفته شد که پدرم دچار مرگ مغزی شده است و امکان بازگشت به زندگی ندارد. آنها گفتند بهترین کار این است که اعضای بدن او را به بیماران نیازمند اهدا کنیم.

دختر جوان ادامه می‌دهد: پزشکان می‌گفتند که کلیه‌های پدرم از کار افتاده و در یکی دو روز آینده سایر ارگان‌های بدنش نیز به مرور از کار می‌افتد و دیگر حتی زندگی نباتی هم نخواهد داشت. فرصت کوتاه بود و باید تصمیم می‌گرفتیم که اعضای بدن پدرم را اهدا کنیم یا نه. ما قبلا درباره اهدای عضو ماجراهای زیادی شنیده بودیم و آن شب وقتی شرایط پدرم را دیدیم، موافقت کردیم که اعضای بدنش را اهدا کنیم.

فرزند این بیمار مرگ مغزی می‌گوید: پدرم تا پیش از این حادثه سالم بود و هیچ بیماری‌ای نداشت. از دست دادنش برایمان سخت و ناگوار بود، اما اعضای بدن او می‌توانست جان انسان دیگری را نجات دهد. بعد از موافقت ما بود که پیکر پدرم به بیمارستان سینا منتقل شد اما به‌دلیل وخامت وضعیتش قلب او نیز از کار افتاد و فقط کبدش جداسازی شده و به بیماری نیازمند که مدت‌ها در صف دریافت اعضای پیوندی بود اهدا شد. او درباره وضعیت راننده پرایدی که با پدرش تصادف کرد نیز می‌گوید: آن شب راننده یکی از خودروهای عبوری موفق شده بود شماره پلاک پراید را یادداشت کند. او توسط پلیس شناسایی شده و با شکایتی که ما کرده‌ایم قرار است به‌زودی احضار شود.

گروگان ۴روز در حیاط خانه بیهوش بود

تحقیقات در پرونده مجرم سابقه‌داری که پس از بیهوش کردن راننده کامیون، ۳روز تمام او را به همراه خود این طرف و آن طرف می‌کشاند، نشان می‌دهد که او راننده دیگری را نیز با همین شگرد به دام انداخته و او را ۴روز تمام در حیاط خانه‌ای بیهوش رها کرده بود.

به گزارش همشهری، متهم این پرونده مجرم سابقه‌داری است که مدتی قبل به بهانه اینکه می‌خواهد یک محموله باری را به شمال کشور منتقل کند، راننده کامیونی را فریب داد و سوار ماشین او شد. متهم با تعارف آبمیوه مسموم راننده کامیون را بیهوش کرد و وی را در اتاقک کامیون قرار داد و ۳روز تمام به همراه او که همچنان بیهوش بود به این طرف و آن طرف رفت. متهم پس از سرقت مدارک و پول‌های راننده کامیون حسابش را نیز خالی کرد و بعد با همسر او تماس گرفت و به این بهانه که شوهرش تصادف کرده و دربیمارستان بستری شده، درخواست پول کرد. اما همسر او پس از پرس‌وجو متوجه دروغ وی شد و این‌بار مجرم سابقه‌دار تهدید کرد که اگر پول به حسابش واریز نکند، جان شوهر او را می‌گیرد. همین کافی بود تا همسر راننده کامیون شکایتی مطرح کند و متهم تحت تعقیب قرار بگیرد. مأموران پلیس از زن جوان خواستند تا به بهانه تحویل پول با مرد سارق قرار بگذارد که همین موجب دستگیری متهم تحت تعقیب شد. در ادامه راننده کامیون که داخل اتاقک بیهوش افتاده بود به بیمارستان انتقال یافت و پس از چند روز مداوا از خطر مرگ نجات یافت.

با دستگیری سارق سابقه‌دار، مأموران به بازرسی لوازم کشف شده از او پرداختند و یک کارت شناسایی پیدا کردند. کارت متعلق به مردی جوان بود که بررسی‌ها نشان می‌داد مسافرکش اینترنتی و ساکن شهرستان آستاراست. در ادامه معلوم شد که او نیز یکی از طعمه‌های مجرم سابقه‌دار بوده که ۴روز تمام در حیاط یک خانه ویلایی در آستارا بیهوش رها شده بود. تحقیقات نشان می‌داد که سارق دستگیر شده در شهرستان آستارا به سراغ این مسافرکش اینترنتی رفته و از او خواسته وی را به‌صورت دربستی به تهران برساند. اما به محض اینکه سوار ماشین شده با آب‌طالبی مسموم راننده را بیهوش کرده و وی را به حیاط یک خانه اجاره‌ای منتقل و در آنجا حبس کرده است. به‌گفته شاکی، او ۴روز در حیاط خانه بیهوش افتاده بود تا اینکه صاحب خانه رسید و فرشته نجاتش شد.

براساس این گزارش، پرونده شکایت مسافرکش اینترنتی از مرد سارق در اداره پلیس شهرستان آستارا در حال رسیدگی است و به‌نظر می‌رسد سارق دستگیر شده پس از سرقت خودروی وی، آن را فروخته است. هم‌اکنون بازپرس جنایی تهران دستور تحقیقات از متهم را صادر کرده تا راز دیگر جرایمی که وی مرتکب شده بود نیز فاش شود.

نقشه عجیب زوج سارق برای سرقت میوه‌های باغ

دادسرا

مجرم سابقه‌دار پس از آزادی از زندان نقشه عجیبی برای سرقت کشید؛ او با همدستی همسرش به باغ‌های اطراف تهران می‌رفتند و میوه‌ها را می‌چیدند و آنها را با وانت اجاره‌ای به فروش می‌رساندند.

به‌گزارش همشهری، از چندی قبل گزارش سرقت‌هایی عجیب از باغ‌های شرق تهران به پلیس گزارش شد.

یکی از مالباخته‌ها می‌گفت: من حوالی فشم باغ میوه دارم و معمولا آخر هفته به آنجا می‌روم. مدتی قبل نگهبانی در باغ استخدام کرده بودم اما او به تازگی تسویه حساب کرده و از باغ رفته بود. من هم در جست‌وجوی یک نگهبان جدید بودم تا اینکه آخر هفته وقتی برای سرکشی به باغ رفتم با صحنه عجیبی مواجه شدم. درختان باغ من پر از میوه بود اما تمامی میوه‌ها از درخت‌ها چیده و سرقت شده بود.

این مرد تنها باغداری نبود که خبر از سرقت میوه‌های باغش می‌داد. اظهارات بقیه مالباخته‌ها هم همین بود و همه می‌گفتند وقتی آخر هفته قدم در باغ خود گذاشتند با سرقت میوه‌های باغ مواجه شدند.

در این شرایط گروهی از مأموران تحقیقات برای یافتن سرنخی از سارقان را آغاز کردند تا اینکه چند روز قبل اتفاقی افتاد که به دستگیری آنها منجر شد.

ماجرا از این قرار بود که نگهبان یکی از باغ‌های حوالی فشم که برای شرکت در مراسم ختم یکی از بستگانش راهی شهرستان شده بود وقتی به باغ بازگشت، متوجه حضور افراد غریبه در آنجا شد. یک خودروی وانت هم داخل باغ بود که در قسمت بار آن تعدادی جعبه پر از میوه چیده شده بود.

نگهبان که از قبل ماجرای سرقت از باغ‌های دیگر را شنیده بود، مخفیانه با صاحب باغ تماس گرفت و وقتی مطمئن شد که افراد غریبه سارق هستند، پلیس را خبر کرد. او همزمان در باغ را از بیرون قفل کرد تا سارقان نتوانند فرار کنند و به این ترتیب وقتی مأموران در محل حاضر شدند، دزدان که زن و شوهری جوان بودند دستگیر شدند. متهمان در بازجویی‌ها به سرقت‌های سریالی از باغ‌ها اقرار کردند و در ادامه برای انجام تحقیقات بیشتر در اختیار مأموران پلیس آگاهی قرار گرفتند.

گفت‌وگو

دستفروشی پس از سرقت

مردی که به اتهام ورود غیرمجاز به باغ‌ها و سرقت میوه دستگیر شده، مجرمی سابقه‌دار است. او می‌گوید که سرقت‌ها را با همدستی همسرش انجام می‌داده و پس از سرقت، میوه‌ها را با وانت می‌فروختند.

ایده چنین سرقت عجیبی چطور به ذهنت رسید؟

قبل از اینکه نقشه سرقت را بکشم برای خرید میوه به بازار رفته بودم که با قیمت سرسام‌آور میوه‌ها مواجه شدم. داخل میوه‌فروشی بودم که با خودم گفتم شاید بشود از میوه‌فروشی سرقت کرد و بعد میوه‌ها را فروخت و پول خوبی گیر آورد. اما می‌دانستم ورود به مغازه‌های میوه فروشی برای سرقت سخت است و ناگهان فکر سرقت از باغ‌ها به سرم زد.

از جزئیات سرقت‌هایتان بگو.

ابتدا خودروی وانت یکی از آشنایانم را امانت گرفتم بعد از آن چندین جعبه و کارتن تهیه کردم و بعد جزئیات نقشه را با همسرم در میان گذاشتم. او ابتدا قبول نمی‌کرد اما پس از اصرارهای من پذیرفت که همراهم بیاید و کمکم کند. البته به او اطمینان دادم که دستگیر نمی‌شویم و او هم به این امید که گیر نمی‌افتیم آمد. وقتی همسرم راضی شد به سمت باغ‌های اطراف تهران رفتیم و جایی را انتخاب می‌کردم که دوربین مداربسته و نگهبان نداشته باشد. پس از اطمینان از اینکه نگهبان داخل باغ نیست و دوربین مداربسته‌ای وجود ندارد از روی دیوار می‌پریدم و وارد باغ می‌شدم. بعد در را باز می‌کردم و وانت را به داخل باغ می‌بردم. معمولا ۲ یا ۳ روز در باغ اتراق می‌کردیم و با کمک همسرم تمام میوه درختان باغ را می‌چیدیم و داخل جعبه یا کارتن قرار می‌دادیم. به‌دلیل اینکه هوا خوب بود معمولا در حیاط باغ داخل آلاچیق‌ها می‌ماندیم. البته چندبار تلاش کردم تا قفل درها را باز کنم و وارد ویلاها شوم اما نتوانستم. گاهی شیر آلاتی که داخل حیاط بود را هم سرقت می‌کردم اما هدف اصلی‌ام چیدن میوه‌ها بود. بعد از اینکه چیدن میوه‌ها تمام می‌شد از باغ‌ها خارج شده و به نقاط مختلف تهران یا اطراف تهران می‌رفتیم و میوه‌ها را می‌فروختیم. به گمان اینکه هرگز دستگیر نخواهیم شد اما بخت با ما یار نبود و در آخرین سرقت خود قبل از ترک باغ، نگهبان رسید و گیر افتادیم.

تا به حال شده بود وارد باغی شوید و بعد صاحب یا نگهبان باغ سر برسد؟

تا قبل از آخرین سرقت‌مان چنین اتفاقی پیش نیامده بود. چون قبل از رفتن مطمئن می‌شدیم که نگهبان حضور نداشته باشد.

در پرونده‌ات نوشته شده که سابقه‌داری. سوابق قبلی‌ات چه بودند؟

سابقه سرقت از ساختمان‌های نیمه‌کاره دارم. سرقت را به‌خاطر اعتیادم به شیشه انجام می‌دادم. آخرین بار شب عید آزاد شدم و توبه کردم که دیگر دست به سرقت نزنم اما نتوانستم جای مناسبی کار پیدا کنم. از طرفی هم برای خرید شیشه نیاز به پول داشتم و هم تامین هزینه‌های زندگی. ناچار شدم که بار دیگر نقشه سرقت بکشم اما فکر می‌کردم با این شگرد هرگز شناسایی نخواهم شد که البته اشتباه فکر می‌کردم.

کوتاه از حادثه

نجات فرزندان مرد معتاد از مرگ حتمی

ماموران پلیس که مرد معتادی را بازداشت کرده بودند وقتی فهمیدند ۲دختر خردسال او در خانه حضور دارند و به‌دلیل روشن بودن اجاق گاز خطر گازگرفتگی آنها را تهدید می‌کند خود را به آنجا رساندند و ۲دختربچه را که بر اثر گازگرفتگی بیهوش شده بودند از مرگ نجات دادند.

به گزارش همشهری، این حادثه در شهرستان آبیک واقع در استان قزوین اتفاق افتاد. ماجرا از این قرار بود که مأموران واحد گشت خودرویی پلیس مبارزه با موادمخدر در حال گشتزنی بودند که با یک معتاد متجاهر مواجه شده و او را بازداشت کردند. ماموران در حال انتقال این متهم به مقر پلیس بودند که او گفت ۲دخترش که ۳و ۵سال دارند در خانه هستند و او ساعتی قبل بعد از مصرف موادمخدر بدون اینکه اجاق گاز را خاموش کند از خانه بیرون آمده و ممکن است بچه هایش دچار گازگرفتگی شوند. در این شرایط بود که مأموران قبل از انتقال این متهم به مقر پلیس، او را به خانه‌اش منتقل کردند. وقتی او در خانه را باز کرد صدای بچه‌ها نمی‌آمد و زمانی که مأموران وارد آشپزخانه شدند ۲دختر خردسال را درحالی که بیهوش شده و روی زمین افتاده بودند مشاهده کردند. این در حالی بود که اجاق گاز همچنان روشن بود و شواهد نشان می‌داد بچه‌ها دچار گازگرفتگی شده‌اند. به این ترتیب در کوتاه‌ترین زمان ممکن هر دو کودک به مرکز درمانی منتقل شدند. آنها که به‌شدت مسموم شده بودند تحت درمان قرار گرفتند و بعد از ۲۴ساعت تحت مراقبت بودن به بهزیستی تحویل داده شدند. متهم درباره اینکه چرا دخترانش را در خانه رها کرده بود گفت: همسر اولم فوت شد و دوباره ازدواج کردم. امروز (روز حادثه) همسرم سر کار رفته بود و من هم مشغول مصرف موادمخدر بودم و اجاق گاز را روشن گذاشته بودم که بعد از چند دقیقه از خانه بیرون آمدم و به‌خاطر وضعیتی که داشتم دستگیر شدم و بعد یادم افتاد که اجاق گاز را روشن گذاشته‌ام. سردار علی ابراهیمی، فرمانده انتظامی استان قزوین در این‌باره گفت: ۲ کودکی که دچار گازگرفتگی شده بودند وضعیت‌شان رضایت بخش گزارش شده است و به‌دلیل اینکه پدر این کودکان به موادمخدر اعتیاد داشته و شرایط نگهداری از آنها را نداشت؛ به‌طور موقت به بهزیستی سپرده شدند. او ضمن تقدیر از مأموران وظیفه‌شناس گفت: مأموران پلیس از هیچ تلاشی برای حفظ و حراست از جان، مال و ناموس هموطنان دریغ نخواهند کرد.

درگیری مرگبار ۲دستفروش

۲دستفروش بر سر جای پهن کردن بساطشان با هم درگیر شدند و دعوای آنها با قتل یکی از آنها و بازداشت دیگری به اتهام قتل پایان یافت.

به گزارش همشهری، عصر شنبه افرادی که از خیابان گلوبندک در حوالی پارک‌شهر تهران عبور می‌کردند، متوجه درگیری ۲پسر جوان شدند. هر دو دستفروشی می‌کردند؛ یکی از آنها جوانی ۲۱ساله بود و بساط فروش شال و روسری پهن کرده بود و دیگری که حدودا ۲۳ساله بود، تی‌شرت و شلوار می‌فروخت. دعوای آنها بر سر جای بساط که بالا گرفت، شاهدان و کسبه محل مداخله کردند و با میانجیگری پایان یافت. اما دقایقی بعد پس از رفتن مردم، مجددا دعوا میان آنها از سر گرفته شد که ناگهان یکی از دستفروشان با چاقو ضربه‌ای به دیگری زد و شاهدان با دیدن این وضعیت، با پلیس و اورژانس تماس گرفتند. ضارب که ترسیده بود پس از زخمی کردن دستفروش دیگر پا به فرار گذاشت، اما شاهدان به‌دنبال او رفتند و مانع فرارش شدند. همزمان مأموران رسیدند و ضارب را دستگیر کردند که تحویل کلانتری ۱۱۳ بازار شد. از سوی دیگر جوان مجروح به بیمارستان انتقال یافت اما به‌دلیل شدت جراحت و خونریزی جانش را از دست داد. در این شرایط بود که گزارش این درگیری مرگبار به قاضی محمد وهابی، بازپرس جنایی تهران اعلام شد و با دستور وی متهم به قتل دیروز به دادسرا انتقال یافت و تحت بازجویی قرار گرفت. متهم گفت: من اهل تهران نیستم و مدتی قبل برای کار از شهرستان به پایتخت آمدم. مقتول از هم‌ولایتی‌هایم بود که او هم مانند من برای کار به تهران سفر کرده بود. وی ادامه داد: چند وقتی می‌شد که من و مقتول تصمیم گرفته بودیم برای کسب درآمد دستفروشی کنیم. پس از جست‌وجو در مناطق مختلف تهران متوجه شدیم که بازار تهران یکی از شلوغ‌ترین منطقه‌های تهران است که همه روزه افراد زیادی برای خرید به آن منطقه می‌روند؛ به همین دلیل من شال و روسری خریدم و در بازار تهران بساط کرده و می‌فروختم. مقتول هم لباس و شلوار بساط می‌کرد و هر دوی ما از صبح تا غروب سرگرم کار بودیم. وی گفت: معمولا هر دستفروش برای خودش جای مشخصی دارد، اما روز حادثه مقتول بساطش را درست در جایی که من همیشه بساط می‌کردم، پهن کرده بود. به او گفتم آنجا، جای من است، اما زیر بار نمی‌رفت و می‌گفت من اشتباه می‌کنم. هرچه تلاش کردم او را قانع کنم، فایده‌ای نداشت و ناگهان کار به جروبحث کشیده شد. ابتدا مردم وساطت کردند و دعوای اول که میان ما شکل گرفته بود، خاتمه یافت، اما من از دست دوستم که با زورگیری جای مرا گرفته بود، عصبانی بودم و از او خواستم تا جای مرا برگرداند. دعوای دوم که شروع شد به‌شدت خشمگین بودم و نتوانستم عصبانیتم را کنترل کنم؛ چون مقتول حرف زور می‌زد. نمی‌دانم چه شد که با چاقو ضربه‌ای به او زدم؛ درحالی که اصلا قصد کشتن او را نداشتم. حالا هم باورم نمی‌شود که دوستم جان باخته است و من به زندگی او پایان داده‌ام. خیلی پشیمانم و می‌دانم عذاب وجدان تا زمانی که در این دنیا هستم و نفس می‌کشم، همراهم است. براساس این گزارش، متهم به قتل با دستور بازپرس جنایی تهران بازداشت شد و برای انجام تحقیقات بیشتر در اختیار مأموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران قرار گرفت.